

## بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری در خانواده با بهزیستی روان‌شناختی (مورد مطالعه دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد)

غلامرضا محمدی فرهمند<sup>۱</sup>، مهسا فردوسی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری در خانواده با بهزیستی روان‌شناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد بود. روش مورد استفاده در این پژوهش برحسب هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع همبستگی بود. در این پژوهش جامعه‌آماری پژوهش حاضر را کلیه‌ی دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد که در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می‌داد و از این میان با استفاده از جدول مورگان و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، نمونه‌ای ۳۶۲ نفر انتخاب و پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار گرفت. به منظور گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۰)، استفاده شد. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار این ضریب برای هر دو پرسشنامه بالای ۰,۷ به دست آمد؛ همچنین به منظور سنجش روایی از روایی محتوا استفاده شد که برای این منظور پرسشنامه‌ها به تأیید متخصصین مربوطه رسید. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره) انجام پذیرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد بین سبک فرزندپروری در خانواده با بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر سبک فرزندپروری مقتدرانه با بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان رابطه مثبت و معنادار دارد؛ سبک فرزندپروری مستبدانه با بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان رابطه منفی و معنادار دارد و همچنین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان رابطه منفی و معنادار دارد.

**کلیدواژه‌ها:** سبک فرزندپروری، سبک مستبدانه، بهزیستی روان‌شناختی، دانشجویان

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد شهرقدس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) rezafarahmand86@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد شهرقدس، تهران، ایران Mahsaferdo@gmail.com

بهبودی به عنوان یک هدف اساسی انسانی و یک آرمان جهانی انسانی شناخته می‌شود. به رسمیت شناختن بهبودی به عنوان هدف نهایی توسعه اجتماعی، رواج گسترده‌ای پیدا کرده است (کریس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). رشد تحقیقات روانشناسی مثبت، تغییری در نحوه تحقق سیاست‌های بهداشتی و تفکر در مورد آن ایجاد کرده است. حرکتی که از بیماری و مدل کمبود تبدیل به سلامت روانی شده است (هاپرت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). تعداد زیادی از تحقیقات روانشناسی مثبت در نمونه‌های بزرگسالان وجود دارد (سیمور<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). بهبودی روانشناختی معمولاً به عنوان ترکیبی از حالت‌های مثبت مانند شادی و عملکرد یا اثربخشی مطلوب در زندگی فردی و اجتماعی تعریف شده است (وینفیلد<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۲). در این حوزه، مدل ریف<sup>۵</sup> از مهم‌ترین مدل‌های حوزه‌ی بهبودی روانشناختی به شمار می‌رود که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. ریف (۲۰۱۷)، بهبودی روانشناختی را تلاش برای کمال در جهت تحقیق توانایی‌های بالقوه واقعی فرد می‌داند. در این دیدگاه بهبودی به معنای تلاش برای ارتقاء و اعتلا است که در تحقیق استعدادها و توانایی‌های فرد متجلی می‌شود. او و همکاران تلاش کرده‌اند براساس مبانی فلسفی (کسانی مثل ارسطو و راسل) ملاک‌های زندگی مطلوب و یا به اصطلاح زندگی خوب را تعیین و دسته‌بندی کنند. بر این اساس، شش عامل پذیرش خود (توانایی دیدن و پذیرفتن قوت‌ها و ضعف‌های خود)، هدفمندی در زندگی (به معنای داشتن غایت‌ها و اهدافی است که به زندگی فرد جهت و معنا می‌بخشد)، رشد شخصی (احساس این که استعدادها و توانایی‌های بالقوه‌ی فرد در طی زمان و در طول زندگی بالفعل خواهد شد)، داشتن ارتباط مثبت با دیگران (به معنای داشتن ارتباط نزدیک و ارزشمند با افراد مهم در زندگی)، تسلط بر محیط (توانایی تنظیم و مدیریت امور زندگی به ویژه مسائل زندگی روزمره) و خودمختاری (توانایی و قدرت پیگیری خواست‌ها و عمل براساس اصول شخصی حتی اگر مخالف آداب و رسوم و تقاضاهای اجتماعی باشد) را به عنوان مولفه‌های تشکیل دهنده‌ی بهبودی روانشناختی تعیین کردند (ریف و همکاران، ۱۹۹۸؛ به نقل از برزونسکی و سیسوج<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶).

بسیاری از نویسندگان به اهمیت تفکر مثبت ذهنی برای توسعه بیشتر و رشد دانشجویان اشاره دارند (هیرش و الیس<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶). نگرانی‌های دائمی و ترس از عدم دستیابی به اهداف تعیین شده، از دانشجویان انرژی و منابع زیادی می‌گیرد که تاثیر منفی بر روی درک آنها از بهبودی روانشناختی دارد (ترشیولی و ترشیولی<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵). با این حال، در حال حاضر مشکلات مرتبط با بهبودی روانشناختی در میان دانشجویان دانشگاه، به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است؛ دانشجویانی که مستعد مشکلات روانشناختی هستند. از این رو، مشکلاتی مانند محدودیت مالی و زمانی، کلاس‌ها، تکلیف، مقالات تحقیقی و خانواده بر سلامت روانشناختی دانشجویان تاثیر می‌گذارد (روسلان<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). در همین راستا حسینی مهرآبادی و عبدی زرین (۱۴۰۰)، در مطالعه خود بیان کردند که نقش عملکرد خانواده و سبک‌های هویت در شکل‌گیری بهبودی روانشناختی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

<sup>۱</sup> Krys

<sup>۲</sup> Huppert

<sup>۳</sup> Seymour

<sup>۴</sup> Winefield

<sup>۵</sup> Ryff Model

<sup>۶</sup> Berzonsky & Cieciuch

<sup>۷</sup> Hirsch, J. K., & Ellis, J. B

<sup>۸</sup> Turashvili, T., & Turashvili, M

<sup>۹</sup> Roslan

قابل توجه است. همچنین، رحیمی، حاجلو و بشرپور (۱۳۹۸)، طی پژوهشی نشان دادند که ابعاد چشم‌انداز زمان هم به طور مستقیم و هم با واسطه امید به زندگی با بهزیستی روان‌شناختی رابطه دارند. به نظر می‌رسد برای بهبود بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان، تقویت چشم‌انداز زمان و امید به زندگی می‌تواند دارای اهمیت باشد.

عوامل متعددی با بهزیستی روان‌شناختی رابطه دارند که در مطالعات مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند که یکی از عواملی که اثر آن و رابطه آن با بهزیستی روان‌شناختی در تحقیقات مختلف ذکر شده، موضوع سبک فرزندپروری در خانواده است (فرانسیس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۱؛ یعقوبی، ذاکر فرد و افرا، ۱۳۹۶؛ حمیدی و انصاری، ۱۳۹۵).

سبک‌های فرزندپروری ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری با دوامی را پدید می‌آورند (برک لورا، ۲۰۰۳؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۹). بامریند<sup>۲</sup> (۱۹۹۱)، در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می‌سازد که روش موثر را از روش‌های نه چندان موثر فرزندپروری جدا می‌سازد، این سه ویژگی عبارتند از: ۱) پذیرش و روابط نزدیک، ۲) کنترل و ۳) استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی سه سبک فرزندپروری مشخص می‌شود: مقتدرانه<sup>۳</sup>، مستبدانه<sup>۴</sup> و سهل‌گیرانه<sup>۵</sup>. سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است و والدین با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه روشی مهرورز و پذیرا را نشان داده، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند (به نقل از کندلانزا، بیوت و مرین، ۲۰۲۱). در همین خصوص، قلمی و سهرابی (۱۳۹۸)، طی پژوهشی دریافتند که بین سبک‌های فرزندپروری با بهزیستی اجتماعی و بهزیستی هیجانی رابطه وجود دارد و سبک فرزندپروری اقتدار منطقی با زیرمولفه‌هایی از بهزیستی اجتماعی (مقبولیت اجتماعی، واقع‌گرایی اجتماعی، مشارکت اجتماعی و پیوستگی اجتماعی) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین سبک فرزندپروری اقتدار منطقی با بهزیستی هیجانی مثبت و منفی رابطه معناداری وجود دارد و این درحالی بود که بین سبک‌های فرزندپروری آزادگذاری مطلق و استبدادی با این مولفه‌ها ارتباط معنی‌داری به دست نیامد. همچنین ملک‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، طی مطالعه‌ای نشان دادند که تعامل خودکارآمدی و پذیرش طرد ادراک شده و تعامل خودکارآمدی با کنترل آزادی ادراک شده، هر دو پیش‌بینی‌کننده معنادار زیرمقیاس پذیرش خود هستند. در زیرمقیاس روابط مثبت علاوه بر تعامل خودکارآمدی با پذیرش طرد ادراک شده، خودکارآمدی و پذیرش طرد ادراک شده نیز به طور مجزا پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری هستند.

از آنجایی که شخصیت انسان متأثر از محیط خانواده و تفاوت‌های موجود در شخصیت متأثر از سبک‌های فرزندپروری در خانواده است و همچنین از آنجا که در زمینه رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با بهزیستی روان‌شناختی در میان دانشجویان به خصوص دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد ملارد، تحقیقات محدودی صورت گرفته است لذا، مهمترین هدف این مطالعه بررسی

۱ Francis

۲ Baumrind

۳ Authoritative

۴ Authoritarian

۵ Permissive

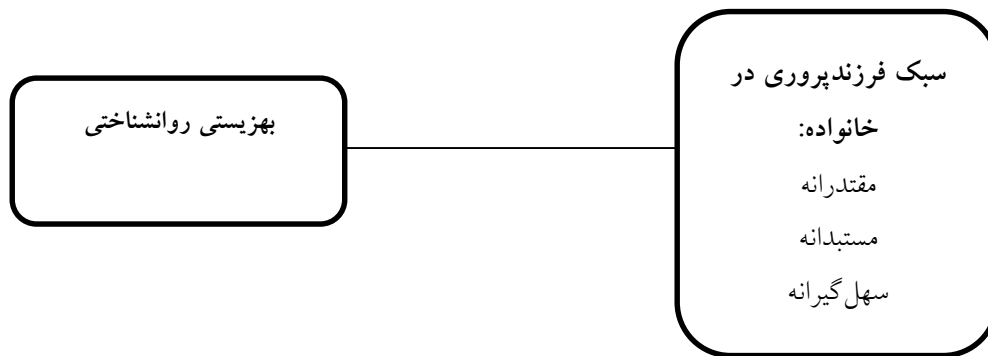
۶ Candelanza, A. L., Buot, E. Q. C., & Merin, J. A

رابطه بین سبک فرزندپروری در خانواده با بهزیستی روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد می‌باشد.

با توجه به آنچه که گفته شد، در پژوهش حاضر ما به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که «چه رابطه‌ای بین سبک فرزندپروری در خانواده با بهزیستی روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد وجود دارد؟». با توجه به این سوال و با استفاده از پژوهش‌های صورت گرفته گذشته، فرضیه‌های پژوهشی ذیل تدوین گردید:

- بین سبک فرزندپروری مقتدرانه در خانواده با بهزیستی روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد وجود دارد.
- بین سبک فرزندپروری مستبدانه در خانواده با بهزیستی روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد وجود دارد.
- بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در خانواده با بهزیستی روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد وجود دارد.

در نهایت مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ ارائه شده است:



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (بامریند، ۱۹۹۱؛ ریف، ۱۹۸۰)

#### روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این پژوهش برحسب هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی و از نوع همبستگی بود. در این پژوهش جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد به تعداد ۶۳۳۵ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود. از این میان با استفاده از جدول مورگان و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، نمونه‌ای ۳۶۲ نفر انتخاب و پرسشنامه در اختیار آنها قرار گرفت. به منظور گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه سبک فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۰)، استفاده شد که در جدول (۱) شاخص‌های آن به نمایش گذاشته شده است. به منظور سنجش روایی از روایی محتوا استفاده شد که برای این منظور پرسشنامه به تأیید متخصصین مربوطه رسید، هم‌چنین به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار این ضریب برای هر دو پرسشنامه بالای ۰,۷ به دست آمد. پرسشنامه‌های مذکور در میان گروهی از دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد توزیع گردید و پس از دریافت پرسشنامه‌ها با توجه به آمار توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره) تجزیه و تحلیل صورت گرفت.

† Baumrind

‡ Ryff

جدول ۱: اطلاعات مربوط به متغیرها و مقدار آلفای کرونیخ متغیرهای پژوهش

سازه‌های اصلی	مولفه‌های متغیر	نویسنده	شماره سوالات	آلفای کرونیخ
سبک فرزندپروری	مقتدرانه	بامریند (۱۹۹۱)	۴،۵،۸،۱۱،۱۵،۲۰،۲۲،۲۳،۲۷،۳۰	۰/۸۵
	مستبدانه		۲۹،۳۰،۳۷،۹،۱۲،۱۶،۱،۲۵،۲۶	
	سهل‌گیرانه		۲۴،۲۱،۱۹،۱۷،۱۴،۱۳،۱۰،۶،۱، ۲۸	
بهبودی روانشناختی	پذیرش خود	ریف (۱۹۸۰)	۳-۱	۰/۸۹
	روابط مثبت با دیگران		۶-۴	
	خودمختاری		۹-۷	
	تسلط بر محیط		۱۲-۱۰	
	زندگی هدفمند		۱۵-۱۳	
	رشد فردی		۱۸-۱۶	

#### یافته‌ها

جهت بررسی نرمال بودن داده‌ها، از آزمون کالموگراف-اسمیروف استفاده شد که خلاصه نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲: خلاصه آزمون کالموگروف-اسمیروف (n=362)

متغیرها	آماره آزمون	سطح معنی‌داری
سبک فرزندپروری	۰/۷۴	۰/۶۲
بهبودی روانشناختی	۰/۸۷	۰/۴۰

با توجه به اطلاعات جدول بالا سطح معناداری در همه متغیرهای پژوهش بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد. به عبارت دیگر داده‌های مربوط به مولفه‌های سبک فرزندپروری و بهبود روانشناختی از توزیع نرمال پیروی می‌کند.

#### آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اصلی: بین سبک فرزندپروری در خانواده با بهبود روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد وجود دارد.

به منظور بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری در خانواده با بهبود روانشناختی، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ و ۴ آورده شده است که براساس مفروضاتی نظیر: استقلال عبارت خطا، دیاگرام پراکنش و نرمال بودن عبارت خطا مورد تأیید قرار گرفت.

جدول ۳: خلاصه آزمون رگرسیون جهت بررسی سبک فرزندپروری در خانواده با بهبود روانشناختی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضریب همبستگی	مجذور ضریب	همبستگی تعدیل شده	سطح معنی‌داری
			همبستگی	شده	

بهبودی روانشناختی سبک فرزندپروری در خانواده ۰,۴۱۶ ۰,۱۷۳ ۱۰,۱۶۲ ۰,۰۰۱

اطلاعات جدول بالا حاکی از آن است که ضریب همبستگی بین مولفه‌های سبک فرزندپروری در خانواده و بهبود روانشناختی برابر با ۰/۴۱۶ برآورد شده است. به عبارت دیگر، این دو متغیر تقریباً ۱۷,۳ درصد از واریانس بهبود روانشناختی در میان دانشجویان را تبیین می‌کنند ( $R^2=0/173$ ).

جدول ۴: ضرایب سبک فرزندپروری در خانواده در پیش‌بینی بهبود روانشناختی

مدل	B	SE	Beta	t	سطح معناداری
۱ عرض از مبدا	۳۰,۳۵۸	۳,۲۹۹	-	۹,۲۰۳	۰,۰۰۱
سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه	-۰,۱۴۵	۰,۱۰۵	-۰,۱۳۰	-۲,۴۲۹	۰/۰۰۹
سبک فرزندپروری مستبدانه	-۰,۱۹۰	۰,۱۱۲	-۰,۱۰۹	-۳,۶۹۱	۰,۰۰۲
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۰,۴۶۲	۰,۱۹۶	۰,۳۵۰	۴,۷۹۸	۰,۰۰۱

متغیر ملاک: بهبود روانشناختی

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که، ضرایب ثابت و متغیر یعنی (عرض از مبدا، سبک فرزندپروری)، در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. به عبارت دیگر در مدل رگرسیونی، عرض از مبدا، سبک فرزندپروری، قادر به پیش‌بینی معنی‌داری تغییرات بهبود روانشناختی در میان دانشجویان است. بنابراین بر اساس داده‌های موجود در جدول، می‌توان معادله رگرسیون را به شرح زیر نوشت:

$$(Y) \text{ بهبود روانشناختی پیش‌بینی شده} = ۳۰,۳۵۸/۴۶۲ + ۰,۳۵۰(\text{سبک فرزندپروری مقتدرانه}) - ۰,۱۴۵(\text{سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه}) - ۰,۱۹۰(\text{سبک فرزندپروری مستبدانه})$$

بر پایه مدل رگرسیون بالا می‌توان گفت: با افزایش یک واحد در مولفه‌ی سبک فرزندپروری مقتدرانه در خانواده، ۰,۳۵۰ واحد به بهبود روانشناختی در میان دانشجویان افزوده می‌شود. فرضیه‌های فرعی:

در ادامه به منظور بررسی فرضیه‌های فرعی یا رابطه بین مولفه‌های سبک فرزندپروری در خانواده با بهبود روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ آمده است:

جدول ۵: همبستگی بین مولفه‌های سبک فرزندپروری در خانواده (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه) با بهبود روانشناختی

$$(n=362)$$

مولفه	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (sig)
سبک فرزندپروری	۰/۳۴	۰/۰۰۴
مقتدرانه	۰/۱۱	۰/۰۰۸
مستبدانه	-۰,۰۲	۰/۰۰۵

چنان‌که جدول بالا نشان می‌دهد، رابطه بین مولفه‌های سبک فرزندپروری در خانواده (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه) و بهزیستی روانشناختی، در سطح ۰,۰۱ معنادار است. بنابراین می‌توان فرض صفر را در سطح ۰,۰۱ رد کرده و با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفت که بین مولفه‌های سبک فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه) و بهزیستی روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد رابطه معنادار دارد؛ به گونه‌ای که سبک فرزندپروری مقتدرانه با بهزیستی روانشناختی در دانشجویان رابطه مثبت و معنادار دارد؛ سبک فرزندپروری مستبدانه با بهزیستی روانشناختی در دانشجویان رابطه منفی و معنادار دارد و همچنین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با بهزیستی روانشناختی در دانشجویان رابطه منفی و معنادار دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

تمامی تلاش‌هایی که در روند انجام یک کار پژوهشی صورت می‌گیرد، در واقع برای دستیابی به نتایج مطلوب و پیشنهادهایی برای پژوهش است. چرا که هدف از انجام پژوهش، یافتن راه‌حل برای مشکلاتی است که وجود دارد و دغدغه پژوهشگر بوده و باعث انجام پژوهش شده است. گاهی این مشکلات هر چند در ظاهر کوچک و ناچیز بوده ولی هزینه و انرژی زیادی در جامعه هدر داده و کارآیی و اثربخشی را کاهش می‌دهند و مانع رسیدن به نتایج مورد نظر و ارزشمند می‌گردند. از طریق پژوهش می‌توان این مشکلات و راه‌حل‌های رفع آن‌ها را پیش‌بینی و مهیا کرد و اقدامات مناسب را انجام داد تا در نهایت کارآیی و نتایج مثبت افزایش یابد. لذا این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع، رابطه بین سبک فرزندپروری در خانواده با بهزیستی روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد را مورد بررسی قرار داد، که در ادامه براساس فرضیه‌های موجود در پژوهش به بحث و نتیجه‌گیری می‌پردازیم:

یافته‌های پژوهش نشان دادند که، بین سبک فرزندپروری مقتدرانه در خانواده با بهزیستی روانشناختی در میان دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی ملارد رابطه وجود دارد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت، والدین مقتدر انعطاف‌پذیر و مطالبه‌کننده هستند آنها کنترل بر روی فرزندان را اعمال می‌کنند اما آنان همچنین پذیرنده/پاسخ‌دهنده هستند. آنها قوانین واضحی وضع می‌کنند و به طور پیوسته آن قوانین را اجرا می‌کنند، اما آنها دلیل و منطق این قوانین و محدودیت‌ها را توضیح می‌دهند. نسبت به نیازها و دیدگاه‌های فرزندان پاسخ‌دهنده هستند و فرزندان را در تصمیمات خانواده دخالت می‌دهند (امین آبادی، خداپناهی و دهقانی، ۱۳۹۰). بر این اساس، فرزندان که والدین با سبک تربیتی مقتدر دارند، نسبت به فرزندان که والدین آنها سبک تربیتی مستبد و سهل‌گیر دارند از احساس بهزیستی روانشناختی بیشتری برخوردارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت در خانواده‌هایی که والدین به سبک مقتدرانه با فرزندان خود ارتباط دارند، افراد دوستانه به اظهار نظر خود می‌پردازند و دیگر اعضای خانواده نیز به گفته‌های آنها گوش فرا می‌دهند و این احساس خوب گفتن و جلب توجه نمودن، زمینه‌های عزت نفس را در تک تک افراد خانواده مهیا می‌کند. در این خانواده‌ها حقوق همه افراد محترم شمرده می‌شود. لذا، می‌توان انتظار داشت که فرزندان برخوردار از سبک مقتدرانه والدین، از بهزیستی روانشناختی بیشتری برخوردار باشند. همچنین، اگر والدین نیازهای عاطفی و شناختی فرزندان را با اقتدار برآورده کنند آنان دنیای پیرامون خود را با ارزش می‌بینند و حس تعهد در آنها شکل می‌گیرد؛ اگر به آنها امکان ابراز وجود دهند و فرزندان احساس کنند که در حل مسائل قابلیت و شایستگی کافی و بر محیط خود تسلط کافی دارند، حس کنترل در آنها به وجود می‌آید و در نهایت وقتی والدین به فرزندان بیاموزند که تجربه‌های متنوع در زندگی با ارزش‌اند، حس چالش‌طلبی در آنها بروز می‌کند. از طرفی، والدین مقتدر کنترل خود را همراه با رابطه گرم و پاسخگویی به فرزندان خود دارند، در حالی که والدین سهل‌گیر، انتظارات اندکی از فرزندان خود دارند و هیچگونه کنترل و پاسخگویی هم نسبت به آنان ندارند. سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک،

روشهای کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است و والدین با سبک سهل گیرانه روشی مهرورز و پذیرا را نشان می دهند، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم گیری کنند، حتی اگر امروز قادر به انجام دادن این کار نباشند. همچنین والدین مقتدر واقعیت ها و بینش های شناختی را به کودکان منتقل می کنند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودکان و یا رد آن از خود نشان می دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می جویند و نیز به منظور توافق با کودک از ارتباط کلامی استفاده می کنند. از طرف دیگر، بهزیستی روانشناختی را می توان واکنش های عاطفی و شناختی به ادراک ویژگی ها و توانمندی های شخصی، پیشرفت بسنده، تعامل کارآمد و موثر با جهان، پیوند و رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت مثبت در طول زمان تعریف کرد. این حالت می تواند مولفه هایی مانند پذیرش خود، روابط مثبت، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد فردی را نیز در برگیرد. همچنین، این افراد تغییر و تحول را قانون ثابت زندگی می دانند و تغییرات را فرصتی برای یادگیری و رشد قلمداد می کنند نه تهدیدی برای امنیت خود (دینارداو همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین نتایج پژوهش حاضر موید رابطه معنادار سبک فرزندپروری در خانواده با بهزیستی روانشناختی در دانشجویان بود. نتایج به دست آمده با مطالعات مرتبط انجام شده توسط فرانسیس و همکاران (۲۰۲۱)، یعقوبی و همکاران (۱۳۹۶)، حمیدی و انصاری (۱۳۹۵)، ملک زاده و همکاران (۱۳۹۳)، در یک راستا می باشد.

براساس یافته های پژوهش پیشنهادهایی در ادامه ارائه می گردد:

- به منظور ارتقای شرایط آموزشی بر آموزش سبک های فرزندپروری و شیوه های والدینی برای والدین در قالب کارگاه های آموزشی برای عموم و در مراکز آموزشی برای والدین فرزندان و همچنین در رسانه ها تاکید شود.
- به اساتید دانشگاه پیشنهاد می شود با ارائه یک برنامه جامع و منظم، ارائه تکالیف مشکل، فراهم آوردن فرصت موفقیت در کارهای کلاس و آزمون ها و ایجاد چالش های کلاسی به ارتقای بهزیستی روانشناختی در دانشجویان کمک کرد.
- پیشنهاد می شود به منظور افزایش بهزیستی روانشناختی دانشجویان در زمان بروز تنش و فشارهای روانی باید به فراهم نمودن زمینه های تقویت سبک های فرزندپروری مقتدرانه اقدام نمود.
- پیشنهاد می شود در قالب کارگاه های درون مدرسه و یا سرای محله ها و همچنین از طریق رسانه های ارتباط جمعی و در قالب سخنرانی و تدوین سریال و فیلم در زمینه شیوه های صحیح فرزندپروری خانواده ها آموزش داده شوند و این امر می تواند موثر واقع شود و بر سلامت روان جامعه از کودکی تاثیر گذار باشد.
- ارتباط با سایر متغیرهای مرتبط با سن، جنس، تفاوت های فردی، طبقه اجتماعی، ویژگی های شخصیتی با بهزیستی روانشناختی بررسی شود.

## منابع

امین آبادی، زهرا؛ خداپناهی، محمدکریم و دهقانی، محسن. (۱۳۹۰). نقش میانجی تنظیم هیجان شناختی در ادراک نوجوانان از ابعاد سبک های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی آنها. *مجله علوم رفتاری*. دوره ۵، شماره ۲، صص: ۱۰۹-۱۱۷.



برک، لورا. (۲۰۰۳). روان‌شناسی رشد. ترجمه سیدمحمدی، یحیی. (۱۳۹۹). تهران: ارسباران.

حسینی مهرآبادی، حکیمه سادات و عبدی زرین، سهراب. (۱۴۰۰)، پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس عملکرد خانواده و سبک‌های هویت در دانشجویان دختر دانشگاه قم. *پژوهشنامه زنان*. سال ۱۲، شماره ۱، صص: ۴۳-۶۸.

حمیدی، فریده و انصاری، شهلا. (۱۳۹۵). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با سخت‌رویی و بهزیستی روانشناختی دانش‌آموزان. *خانواده و پژوهش*. دوره ۱۳، شماره ۳۲، صص ۴۷-۶۵.

رحیمی، سعید؛ حاجلو، نادر و بشرپور، سجاد. (۱۳۹۸). پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی در سال ۱۳۹۷ بر اساس ابعاد چشم‌انداز زمان (نقش میانجی امید به زندگی). *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*. دوره ۱۸، شماره ۷، صص: ۶۷۴-۶۵۷.

قلمی، زهرا، سهرابی، زهرا. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده با بهزیستی هیجانی و بهزیستی اجتماعی دانش‌آموزان. *رویش روان‌شناسی*. ۸ (۷): ۱۱۲-۱۰۷.

ملک زاده، لیدا؛ حیدری، محمود؛ پاکدامن، شهلا و طهماسیان، کارینه. (۱۳۹۳). رابطه تعاملی ابعاد فرزندپروری ادراک شده و خودکارآمدی با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان. *خانواده پژوهی*. سال دهم، شماره ۳۷.

یعقوبی، حسین؛ ذاکر فرد، منیرالسادات و افرا، زهرا. (۱۳۹۶). مقایسه سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و بهزیستی روان‌شناختی والدین بر گرایش به ورزش-های گروهی و انفرادی دانش‌آموزان. *مجله اصول بهداشت روانی*. دوره ۱۹، شماره ۳، صص: ۲۶۹-۲۸۰.

- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The journal of early adolescence*, 11(1), 56-95.
- Berzonsky, M. D., & Cieciuch, J. (2016). Mediation role of identity commitment in relationships between identity processing style and psychological well-being. *Journal of Happiness Studies*, 17(1), 145-162.
- Candelanza, A. L., Buot, E. Q. C., & Merin, J. A. (2021). Diana Baumrind's Parenting Style and Child's Academic Performance: A Tie-in. *Psychology and Education Journal*, 58(5), 1497-1502.
- Dennard, S., Tracy, D. K., Beeney, A., Craster, L., Bailey, F., Baureek, A., ... & Kothari, R. (2021). Working in a prison: Challenges, rewards, and the impact on mental health and well-being. *The Journal of Forensic Practice*.
- Francis, A., Pai, M. S., & Badagabettu, S. (2021). Psychological well-being and perceived parenting style among adolescents. *Comprehensive Child and Adolescent Nursing*, 44(2), 134-143.
- Hirsch, J. K., & Ellis, J. B. (1996). Differences in life stress and reasons for living among college suicide ideators and non-ideators. *College student journal*.
- Huppert, F. A. (2009). Psychological well-being: Evidence regarding its causes and consequences. *Applied psychology: health and well-being*, 1(2), 137-164.
- Krys, K., Capaldi, C. A., Zelenski, J. M., Park, J., Nader, M., Kocimska-Zych, A., ... & Uchida, Y. (2021). Family well-being is valued more than personal well-being: A four-country study. *Current Psychology*, 40(7), 3332-3343.
- Roslan, S., Ahmad, N., Nabilla, N., & Ghiami, Z. (2017). Psychological well-being among postgraduate students. *Acta Medica Bulgarica*, 44(1), 35-41.

- Ryff, C. D. (2017). Eudaimonic well-being, inequality, and health: Recent findings and future directions. *International Review of Economics*, 1-20.
- Seymour, N., & Macleod, A. (2015). *Psychological Well-being in Adolescents: Planning Toward, and Thinking About, the Future* (Doctoral dissertation, Royal Holloway, University of London).
- Turashvili, T., & Turashvili, M. (2015). Structural equation model of psychological well-being, a Georgian exploration. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 190, 4-9.
- Winefield, H. R., Gill, T. K., Taylor, A. W., & Pilkington, R. M. (2012). Psychological well-being and psychological distress: is it necessary to measure both?. *Psychology of Well-Being: Theory, Research and Practice*, 2(1), 1-14.

# The Relationship between Parenting Style in the Family and Psychological Well-Being (A Case Study of Students of the Faculty of Psychology, Islamic Azad University of Mallard)

Gholamreza Mohammadi farahmand<sup>‡</sup> Mahsa Ferdosi<sup>‡</sup>

## Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between parenting style in the family and psychological well-being among students of the Faculty of Psychology of the Islamic Azad University of Mallard. The method used in this study was applied in terms of purpose and in terms of data collection was descriptive and correlational. In this study, the statistical population of the present study consisted of all students of the Faculty of Psychology of Mallard Islamic Azad University who were studying in 2020-2021 and among them, using Morgan table and multi-stage cluster sampling method, a sample of 362 people was selected and a questionnaire was provided to them. In order to collect information, two questionnaires of Bamrind (1991) parenting style and Reef Psychological Welfare Questionnaire (1980) were used. In order to measure the reliability of the questionnaires, Cronbach's alpha coefficient was used, the value of which was higher than 0.7 for both questionnaires; Content validity was also used to assess validity, for which the questionnaires were approved by relevant experts. Analysis of information obtained from the questionnaires was performed through SPSS software in two descriptive and inferential sections (Pearson correlation and multivariate regression). Findings showed that there is a relationship between parenting style in the family and students' psychological well-being. In other words, authoritative parenting style has a positive and significant relationship with psychological well-being in students; Authoritarian parenting style has a negative and significant relationship with psychological well-being in students and also casual parenting style has a negative and significant relationship with psychological well-being in students.

**Keywords:** Parenting Style, Authoritarian Style, Psychological Well-Being, Students

---

<sup>‡</sup> Master's degree in General Psychology, Shahrqods Azad University, Tehran, Iran. (author)

rezafarahmand86@gmail.com

<sup>‡</sup> Master of General Psychology, Shahrqods Azad University, Tehran, Iran. Mahsaferdo@gmail.com